

## تحلیل تداوم بحران قره باغ و ارائه راه‌حل‌های آن

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران  
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :  
دکتر جواد شریف نژاد

چکیده:

بحران قره باغ از بحران‌های سابقه و دیرپای رخ داده در سرزمین‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق است که دارای ابعاد و مقیاس گسترده و بزرگی بوده و دورنمای آن نامشخص است این مناقشه روز به روز ادامه می‌یابد و ماهیت بین‌الدولی و بین‌المللی پیدا می‌کند این بحران که در اواخر دهه 80 میلادی در فضای سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سابق پدید آمد پس از فروپاشی آن کشور بصورت خودکار به شکل معضلی اساسی بین دو کشور تازه استقلال یافته جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان درآمد هر دو کشور به سمت مبارزه مسلحانه خونین سوق داده شدند. براساس آمار رسمی منتشر شده در این درگیری‌ها 50/000 نفر جان خود را از دست دادند (از دو طرف) هر چند درگیری‌ها در سال 1994 متوقف شد ولی تلاش دو دولت و نیز مجامع بین‌المللی و نهادهای منطقه‌ای در زمینه یافتن راه حل سیاسی برای پایان دادن به این بحران تا کنون بی نتیجه مانده و از این رو در شرایط کنونی وضعیت «نه جنگ، نه صلح» بین دو کشور حاکم است. دو کشور روابط دیپلماتیک با یکدیگر نداشته و مرزهایشان تبدیل به جبهه جنگ شده است.

کشورهای مختلف منطقه و جهان با موضعگیری خاص خود درباره این مناقشه عکس‌العمل نشان داده اند در این میان بحران قره باغ از دید ایالات متحده آمریکا، روسیه جایگاه ویژه‌ای را دارد. جایگاهی که نقطه تلاقی علاقه مندی‌های اقتصادی و منافع سیاسی این کشورها بشمار می‌رود. از آنجاکه وضعیت نه جنگ، نه صلح، همواره در درون خود واهمه عملیات نظامی و از سرگیری درگیری‌های مسلحانه را زنده نگه می‌دارد. از این رو استمرار چنین شرایطی درجه نامانی در منطقه را بالا می‌برد.

از بین رفتن مناسبات اقتصادی بین این دو کشور تأثیرات منفی بسیاری بر نحوه معیشت، سطح زندگی و رفاه عمومی مردم در کشور گذاشته است. و نکته قابل توجه در اینجا وجود دارد و آن اینکه تأخیر در حل مناقشه و عدم پیشرفت هر چند اندک در ایجاد ترتیبات مورد نیاز، جستجو و یافتن پتانسیل‌های نهفته در این خصوص را دشوار می‌سازد. و باعث تأسف است که در هر دو کشور، نگرش دشمنانه نسبت به یکدیگر روز به روز قوی‌تر می‌شود.

مقامات آذربایجان هم اکنون اعلام می‌دارند که برای رسیدن به یک توافق در خصوص قره باغ هیچ عجله‌ای ندارند. (Doyle, 2003, p11). در مقابل در ارمنستان نیز امیدها برای پیشرفت سریع در خصوص توافق بر سر قره باغ در حال کاهش است، ارمنستان بطور ثابت پیشنهاد اخیر باکو برای شروع مجدد فرآیند صلح «از ابتدا» را رد کرده است به علاوه رهبران ارمنستان تهدید کرده اند که چنانچه باکو احیای توافقاتی که در سه سال گذشته میان دو کشور بدست آمده را رد کند تماس‌های مستقیم با آذربایجان را مسدود خواهند کرد. (Dainelyan, 2004, p17)

این مقاله در پی آنست که با فراهم آوردن سلسه مطالبی ضمن اعلام دیدگاه‌های خود و صاحب نظران زمینه مسائل اساسی در خصوص این بحران، راه حل‌های ممکن را نیز به بررسی و بحث بگذارد تا انشاءالله زمینه‌ای باشد برای حل این بحران در این موقعیت خاص منطقه که احتمال بوجود آمدن ترتیبات جدید می‌رود. در این پژوهش با بررسی پیشینه تاریخی و ویژگی‌های طبیعی منطقه قره باغ با پرداختن به ماهیت بحران قره باغ به تحلیل گزینه‌های ممکن و روش‌های حل مناقشه قره باغ خواهیم پرداخت.

1 - پیشینه تاریخی منطقه:

سرزمین تاریخی قره باغ یکی از مساکن اولیه و بسیار قدیمی انسان‌ها بوده که غار «آزیخ»<sup>[1]</sup> در آن نشانگر زیست انسان در زمانهای قدیم در این منطقه است. (دایره المعارف آذربایجان، 1354، ص 183)

در منابع تاریخ اسلامی حمدالله مستوفی مورخ قرن هشتم هجری قمری در کتاب «نزهت القلوب» برای نخستین بار به نام قره باغ اشاره می‌کند. منطقه قره باغ کوهستانی که در حال حاضر مورد مناقشه است از قرن اول میلادی بخشی از ولایت تاریخی «آرتساخ» (Artsax) سرزمین «آلبان» های قفقاز بوده است در اوایل قرن چهارم میلادی مسیحیت را قبول کرده و بخشی از مردم نیز از آئین مزدائی ایرانیان تبعیت می‌کردند. بعد از حمله اعراب به این منطقه به فرماندهی مغیره ابن شعبه که به تسلط مسلمانان در آمد در سال 1810 میلادی از 12000 خانوار ساکن در قره باغ کوهستانی، 9500 خانوار آذربایجانی و 2500 خانوار ارمنی بودند. که این آمارگیری توسط یک نفر نظامی و مشاور ایشان (برمولوف و موگیلیوسکی) نشانگر زندگی 75 درصد آذربایجانی و 25 درصد ارمنی در قره باغ کوهستانی است (بهراد، 1371، ص 38) در فاصله 1920 تا 1930 بیش از 200 هزار نفر ارمنی از ایران به منطقه قفقاز مهاجرت کردند و در قره باغ کوهستانی سکنی گزیدند. از 1918 تا 1920 قره باغ کوهستانی علی‌رغم برخی اعتراضات گروه‌های ارمنی کلاً در ترکیب جمهوری آذربایجان بود. و این موضوع در کنگره 1919 دهقانان ارمنی قره باغ کوهستانی مورد تأکید قرار گرفت و طی گزارش «آ. ای. میگویان» از روشنفکران ارمنی قره باغ به لنین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق منعکس می‌شود (آرشیو حزب کمونیست، 1919، ص 121) دولت کمونیستی شوروی در سال 1921 در اجلاس شعبه قفقاز به منطقه قره باغ کوهستانی با مرکزیت شوشا خودمختاری داد و این منطقه بصورت خودمختار ولی از نظر تقسیمات کشوری بعنوان بخشی از خاک آذربایجان درآمد.

2 - ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی، انسانی قره باغ

از نظر جغرافیائی و مکانی منطقه قره باغ کوهستانی در داخل خاک آذربایجان قرار داد و با کشور ارمنستان مرز ندارد. قره باغ تاریخی که قره باغ کوهستانی در قسمت شمال آن جای گرفته، منطقه کوهستانی بین رودهای کورا در شمال و ارس در جنوب است. این منطقه دارای 4500 کیلومتر مربع مساحت است که 9 منطقه شهری و تعداد زیادی روستا را در بر می‌گیرد. جمعیت فعلی قره باغ (قبل از اشغال توسط ارتش ارمنستان) 190 هزار نفر برآورد شده است که از این میزان 77 درصد ارمنی 22/5 درصد آذربایجانی و 0/5 درصد روس هستند. منطقه قره باغ کوهستانی تنوع بسیار زیادی در پوشش گیاهی و حیات جانوری دارد و با توجه به کشاورزی معادن و صنایع کوچک مستقر در این منطقه، از نظر اقتصادی ناحیه توانمندی محسوب می‌شود.

3 - ماهیت بحران قره باغ

بحران قره باغ در زمره مناقشاتی است که با حوادث تاریخی در هم تنیده شده است و مسئله‌ای نیست که طی یک یا چند دوره مذاکره بین رهبران دو کشور که تسلط زیادی بر افکار عمومی و دیدگاه‌های گروه‌های سیاسی فعال در کشور خود ندارند، برطرف شود. مسئله قره باغ علاوه بر اذهان سیاستمداران دو کشور در حافظه تاریخی مردم دو کشور نقش بسته است و گمان نمی‌رود به آسانی از اذهان پاک شود. کتب و اسناد منتشره در این زمینه مملو از کشتار، خونریزی و عقده‌گشایی‌های قومی و مذهبی است. با این اوصاف دشمنی بین دو قوم منحصر به مسائل سیاسی و ارضی نیست بلکه جنبه‌های قومی و مذهبی را نیز در بر گرفته است. هر چند برخی بر این عقیده اند که این جنگ، مذهبی نیست ولی در عمل جنبه‌های مذهبی آن کاملاً مشهود است. البته ذکر این نکته نیز شایان توجه است که مردم دو کشور به دلیل شرایط اقتصادی نامناسب حاکم در کشور

و معیشت سخت، از درگیری و جنگ استقبال نمی کنند.

درگیری قره باغ رسماً از فوریه 1988 آغاز شد البته در دهه های قبل نیز آذری ها و ارامنه در خصوص منطقه با یکدیگر اختلاف داشتند.

روبارویی دو طرف در قبال این منطقه یکی از مهم ترین عوامل برهم زنده ثبات در قفقاز جنوبی بوده است. مناقشه قره باغ یکی از اولین و طولانی ترین جنگ های قومی در حوزه شوروی سابق به حساب می آید.

آذربایجان و ارمنستان در اواخر دهه 80 بر سر این منطقه وارد جنگ شدند، اگر چه در سال 1994 یک پیمان آتش بس به امضاء رسید اما آنها به لحاظ فنی هنوز در جنگ هستند. حدود یک میلیون نفر به واسطه مناقشه ناگورنو قره باغ بی خانمان شده اند و موضوع سکونت آنها به علاوه وضعیت آتی این سرزمین از جمله مسائل عمده ای است که باید حل و فصل شوند. شش دسته علل را می توان در به وجود آوردن مناقشه و طولانی شدن آن برشمرد. اول آنکه در دوران شوروی مرزهای قانونی به سختی با مرزهای فرهنگی منطبق بود. مسئله مرزها یکی از دشوارترین مسائل مرتبط با مسائل ملی در اتحاد شوروی سابق بود. عمده مرزهای بین جمهوری ها و نواحی و مناطق خودمختار بدون در نظر گرفتن ویژگی های همگون ملی صورت گرفت. دلیل این امر تصور سازی رژیم شوروی از مفهوم «ملت همپای دولت با حق حاکمیت ملی بود که اجازه می داد تا ملیت های کوچک تر که فاقد شروط لازم برای اعمال حق حاکمیت ملی بودند، ولی ساختار حکومتی خود را داشتند جمهوری های خودمختار خود را شکل بدهند. دلیل دوم به رویکردهای منطقه ای متضاد آذری ها و ارامنه مربوط می شود. دو طرف دارای رویکردهای سیاسی - فکری متفاوت و برداشت های کاملاً متمایز می باشند.»

در منطقه خودمختار ناگورنو قره باغ ابهام کلی و عدم قطعیت مرزی در کنار مشخصات ویژه متناقض دیگری قرار می گرفت. به طور مثال در حالیکه این منطقه تقریباً مجاور ارمنستان - از نظر جغرافیایی - می باشد اما از طریق دهلیز باریکی از آن جمهوری جدا می شود. وضعیت مشابهی در مورد نخجوان وجود دارد که یک منطقه آذری نشین می باشد و ارمنستان آنرا از آذربایجان جدا کرده است.

وجود یک منطقه خودمختار به مفهوم شناسایی قره باغ به مثابه سرزمینی ارمنی بود و این امر به خودی خود اوضاع را مخدوش می ساخت. اعمال سیاست تبعیض علیه یکدیگر، یکی دیگر از دلایل بحرانی شدن روابط آذربایجان و ارمنستان در خصوص قره باغ بوده است. مسئله تبعیض نژادی در منطقه موضوع بسیار پیچیده ای است. اصولاً آذری ها نزد ارامنه شهروند درجه دو محسوب می شوند و ارامنه نیز نزد آذری ها چنین وضعیتی داشتند.

سرانجام باید به عامل رقابت قدرت های تأثیرگذار اشاره کرد. موقعیت جغرافیایی قفقاز طی یکصد سال گذشته، همیشه منبع جذب نیروهای سیاسی متعارض بوده است. هر چه چالش سیاسی بر سر تبعات مناقشه افزون تر می شد، طرف های مناقشه هم به فراخور خود سعی در بهره برداری از آن به نفع خود می کردند. این امر تا حدی پیشرفت کرده است که در واقع صحنه مناقشه و روبارویی ارامنه و آذری ها جای خود را به چالش سیاسی بین قدرت های خواهان شکل دهی به سیمای منطقه داده است. لئون پتروسیان، رئیس جمهور سابق ارمنستان معتقد بود که عدم توافق بین روسیه و سازمان امنیت و همکاری اروپا مانع اصلی و عمده پایان بخشیدن به این بحران دراز مدت شده است. کشورهای خارجی در خصوص بحران قره باغ علی رغم تلاش هایی که انجام می دهند، ولی بیشتر نتیجه کار را با منافع خود پیوند می زنند. در کشور آمریکا، محافل سیاسی تا چند سال پیش به شدت از ارامنه طرفداری کردند و این مسئله باعث شده بود تا کنگره آمریکا کشور آذربایجان را از کمک های مالی بلاعوض که دولت آمریکا به کشورهای تازه استقلال یافته اعطا می کرد، محروم کند. در سال های اخیر دولت آمریکا تحت تأثیر منافع اقتصادی خود در زمینه انتقال نفت از آذربایجان (به ویژه خط لوله باکو - تفلیس - جیهان) و مجامع بین المللی که آذربایجان در آن ها نفوذ کرده، از دولت باکو حمایت می کند و گویا برخی احزاب تندرو ارمنی (از جمله حزب داشناکسیون) را در فهرست گروه های تروریستی قرار داده است. روسیه نیز در حل مناقشه قره باغ به دنبال نفوذ و منافع از دست رفته روس ها در دوران اتحاد جماهیر شوروی است و از این رو پیشنهاد استقرار قوای روسی در قره باغ به عنوان نیروی بی طرف را داده است.

ترکیه نیز از جمله کشورهایی است که در زمینه حل بحران قره باغ تلاش می کند. این کشور بر عکس آمریکا و روسیه، علناً از آذربایجان حمایت می کند. همسانی قومی، زبانی و دینی ترکیه با آذربایجان که تاریخ، فرهنگ و آداب و رسوم و سنت های مشابهی را برای دو کشور به وجود آورده، باعث شده تا منافع ملی دو کشور به هم پیوند بخورند. از این رو دولت ترکیه یکی از شرایط عادی سازی روابط خود با ارمنستان را تخلیه اراضی اشغالی آذربایجان عنوان می کند. کشور ایران نیز تلاش هایی در زمینه حل بحران قره باغ داشته است و حتی در سال 1991 سران دو کشور را برای مذاکره به تهران دعوت کرد که آتش بس موقتی نیز صورت گرفت. ولی در همین ایام نیروهای ارمنی با استفاده از فرصت پیش آمده تهاجم گسترده ای را شروع و بخش هایی از خاک آذربایجان را اشغال کردند و مذاکرات بی نتیجه ماند که این امر لطمه زیادی به جایگاه ایران در معادلات سیاسی منطقه زد.

در حال حاضر ایران خواستار برقراری صلح در منطقه است و تمامیت ارضی آذربایجان را قبول دارد ولی از هیچ طرفی حمایت نمی کند.

مجموعه عوامل مذکور موجبات اوج گیری بحران قره باغ و روبارویی آذربایجان و ارمنستان بر سر این منطقه را فراهم ساخت.

4 - سطوح و ابعاد بحران قره باغ: از بعد محلی تا ابعاد جهانی

جمهوری آذربایجان از سال های پیش و زمانی که در ترکیب اتحاد جماهیر شوروی قرار داشت بعنوان سرزمینی از موزائیک اقوام و اقلیت ها مواجه بود ولی از بین آنها تنها یکی به جنگی تمام عیار تبدیل گشت و آنچه مسئله ارامنه قره باغ بود که باعث شد دو کشور آذربایجان و ارمنستان وارد جنگی شوند که طبق آمارها 50 هزار کشته و 250 هزار آذری مجبور به کوچ و 400 هزار نفر ارمنی ساکن در آذربایجان به ارمنستان مهاجرت نمایند و ارمنستان علاوه بر اشغال قره باغ کوهستانی، 6 رایون (استان) دیگر از خاک آذربایجان را نیز به اشغال خود در آورد. و 800 هزار نفر آذری را از خانه و کاشانه خود بصورت آوارگان جنگی رهسپار مناطق دیگر نماید و در مجموع ارمنستان 20% خاک آذربایجان را به تصرف خود در آورد. شناخت سطح عملکرد و ابعاد این مناقشه در دوره های مختلف دارای اهمیت بسیار است. ابعاد و سطوح بحران قره باغ را می توان در دسته بندی های زیر گنجانند.

1 - بعد دینی - قومی مناقشه؛ آذربایجانی ها - ارمنی ها

2 - بعد منطقه ای بحران؛ آذربایجان - قره باغ - ارمنستان

3 - بعد وابسته به شوروی بعد از فروپاشی شوروی؛ آذربایجان - روسیه - ارمنستان

4 - بعد بین المللی مناقشه؛ آذربایجان، ارمنستان و سایر بازیگران (مهمترین آنها آمریکا، روسیه، کشورهای اتحادیه اروپا، ترکیه، ایران).

بررسی این ابعاد را بصورت خیلی مختصر انجام می دهیم.

1 - بُعد دینی - قومی در مناقشه

هویت دینی و قومی آذربایجانی ها و ارمنی ها بصورت ریشه ای با هم تفاوت دارد. اما این تفاوت ها هر اندازه هم بیشتر باشد در پاره ای از موارد سرنوشت و شرایط مشابهی دارد. آذربایجانی ها در جهان اسلام و هم در میان قومیت ترک در جهان دارای علاقه مندی هایی هستند و در هر صورت خود را امت و ملت بزرگی بشمار می آورند و خود را قومی

مانندگار محسوب می نمایند و احتمال اضمحلال قومی خود بسیار بعید می دانند اکثر آذربایجانی ها شیعه هستند که در دنیای اسلام از وضعیت خاصی برخوردار می باشند.

ارامنه نیز بخاطر هویت دینی خود (ارتدوکس بودن) دارای وضعیتی ویژه در بین دنیای گسترده مسیحیت هستند و از طرف دیگر ارامنه در اثر زندگی طولانی مدت در محیط های غیر مسیحی (مسلمانان) که با فرهنگ خاص بر این محیط ها حاکم است همراه بودند. بطور دائم این حس را دارند که آنها بصورت یک اقلیت دینی - قومی در محاصره دشمنان خود هستند و خطر اضمحلال همواره آنها را تهدید می کند. و جود چنین باوری و حسی در اذهان ارامنه در بوجود آوردن مناقشه قره باغ و تداوم نقش اصلی را ایفاء کرده است. و

این ذهنیت باعث شده که تا ارامنه به تضمین هائی که از سوی آذری ها در خصوص امنیت و احقاق حقوق ارامنه قره باغ اعلام می شود بی اعتنا باشند.

در سال های حاکمیت شوروی هر دو ملت، روح مذهبی خود را تا حدود زیادی از دست داده اند و اسلام و مسیحیت بصورت دین ظاهری درآمد. و در دوران اتحاد جماهیر شوروی

این دو قوم نزدیک به 70 سال در شرایط یکسانی زندگی کردند. حتی مردم دو ملت با هم ازدواج کردند و زمینه های همگرایی را بوجود آوردند. جالب توجه است که بدانییم روابط و مناسبات بین قوم گرجی و ارمنی که قاعدتا باید گسترده تر از روابط ارمنه و آذربایجانی ها باشد این گونه وضعیت و واقعیت غیر از این می باشد. در طول تاریخ مناسبات آذری ها و ارمنه نسبت به روابط ارمنی - گرجی گسترده تر بوده است و وجود چنین فضائی موجب پدید آمدن اشتراکاتی بین دو ملت آذربایجانی و ارمنی شده است.

ابعاد منطقه ای مناقشه

مناقشه قره باغ باعث شد تا آذربایجان و ارمنستان و حتی در قره باغ کوهستانی، احساسات ملی تحریک شود و حس ادعای حاکمیت سیاسی به وجود آید. بنابراین، تنها به کمک موج ملی گرایی بود که نیل به حاکمیت عملی می شد.

رهبران دو کشور ارمنستان و آذربایجان به دلیل تکیه بر حمایت و پشتوانه برخی گروه های سیاسی مجبورند «با ساز آنها برقصند». و در شرایط کنونی، زمان آن فرا رسیده تا دولت های این دو کشور (همچنین دولت گرجستان) دچار تغییرات اساسی شوند، همچنین در کشور داری که منطقه قفقاز جنوبی در حال حاضر نیاز به یک «تفکر نوین» بیش از گذشته احساس می شود. اتحاد و همبستگی سه سیستم و تفکر (متعلق به سه کشور موجود در این منطقه) در شرایط کنونی در نقطه ناممکن واقع شده و این مسئله، شرایط حاکم در اوایل قرن بیستم در این منطقه را در ذهن تداعی می کند.

ارمنه قره باغ، بیش از 10 سال است که تابع دولت خاصی نیستند و چنین وضعیتی سبب شده تا این دو منطقه بارها به عنوان آلت دست و عامل قدرت های خارجی مورد بهره برداری قرار گیرند.

بدهی است، توسعه و نهادینه شدن حقوق مدنی و شهروندی مردم و به طور کلی تحکیم و تثبیت دموکراسی در این منطقه تأثیر بسیاری در حل مناقشه دارد و اگر نتوان گفت راه حل قطعی این بحران است اما می توان از آن به عنوان یک شرط اساسی و ضروری یاد کرد. همچنین باید سعی شود، مدلی مشترک برای مناقشات به وجود آمده در منطقه یافت شود و تشکیل کنفرانس هایی با مشارکت کشورهای روسیه، آمریکا و اروپا در این زمینه می تواند ابعاد بحران را کاهش دهد.

ابعاد مربوط به حاکمیت شوروی و بعد از آن

مناقشه قره باغ در حاکمیت در حال فروپاشی شوروی هر چند اولین بحران و مناقشه محسوب نمی شود ولی جزو پایدارترین و شدیدترین آنهاست. در رژیم های محافظه کار حاکم بر کشورهای قفقاز جنوبی، نظام کمونیستی و سیستم حکومتی وابسته به آن مناسب ترین مدل حکومتی بود. فروپاشی شوروی فرصت مناسبی بود تا مناقشات موجود در قفقاز جنوبی به شکل مناسبی حل شود ولی چون در این منطقه، مشکلات استقرار حاکمیت وجود داشت، این فرصت از دست رفت. بعد از اضمحلال شوروی، روسیه با دادن سلاح و اعزام کارشناسان نظامی خود به ارمنستان، به عنوان یکی از عوامل تأثیر گذار در طولانی شدن مناقشه عمل کرد و موفقیت ها و عدم موفقیت های دو کشور ارمنستان و آذربایجان بعد از فروپاشی شوروی تا اندازه زیادی متأثر از کمک های روسیه بود.

ابعاد بین المللی مناقشه

فرایند جهانی شدن و ارتباط با دنیای آزاد پس از فروپاشی شوروی در منطقه قفقاز جنوبی سریع تر از دیگر مناطق شوروی سابق آغاز شد و این مسئله به وجود نفت در این منطقه باز می گردد که باعث شد، مناقشات این منطقه جنبه بین المللی پیدا کرده و عمیق تر شود.

از ماه می سال 1994، صلحی با ماهیت آتش زیر خاکستر در منطقه برقرار شده است. در این مدت طرف های مناقشه نتوانستند، راهکار مناسبی برای حل بحران بیابند. اگر منطقه دارای شرایط ژئوپولیتیکی دیگر و جمهوری آذربایجان فاقد ذخایر استراتژیک نفت بود، به یقین مناقشه پیش از این حل و فصل می شد. اما وجود منافع راهبردی و مهم کشورهای بزرگ از جمله، ایالات متحده در این منطقه، مسائل موجود را پیچیده تر کرده و به کلاف سردرگمی تبدیل نموده است.

روسیه در پی آن است تا نفوذ خود را که سال های بسیاری در منطقه قفقاز جنوبی وجود داشت، بازگرداند. ایران نیز از احتمال ورود آمریکا و ناتو به منطقه بسیار نگران است. ایران و روسیه به رغم تضادهای واقعی که دارند، در مواجهه با گسترش نفوذ غرب در قفقاز جنوبی و آسیای مرکزی و ایفای نقشی استیلایجوانه (هژمونیک) در این مناطق، مجبور به اتحاد تاکتیکی هستند.

ارمنستان که اقلیت قومی وابسته به آن پراکنش پرتعدادی در کشورهای غربی دارد، تلاش می کند در منطقه متحد روسیه بوده و در اصل بیشتر تأمین کننده منافع روسیه باشد. روسیه قصد دارد، نفوذ خود در ارمنستان را پیرامون مسائل نظامی و راهبردی متمرکز کند و خود را به مثابه نقطه اتکایی برای ارمنستان درآورد. جمهوری آذربایجان می گوید، در

فاصله سال های 1996 تا 1998 روسیه به ارزش یک میلیارد دلار سلاح سنگین از جمله موشک هایی که تا باکو برد دارند را به صورت بلاعوض به ارمنستان داده است. ارمنستان در سال های اخیر سعی نموده از دایره اقتدار روسیه خارج شده و حمایت آمریکا را جلب کند. بر این اساس در ارمنستان، اصلی تحت عنوان «همه جانبه گرایی» بر

سیاست خارجی این کشور حاکم شد که در صدد از بین بردن تضاد منافع روسیه و غرب در منطقه است. در مطبوعات به این عبارات برمی خوریم که مذاکرات صورت گرفته بین سران دولت های آذربایجان و ارمنستان در ماه آوریل سال 2001 در فلوریدا در اصل نه برای حل و فصل

مناقشه قره باغ بلکه برای بحث و بررسی پیرامون مناسبات بین روسیه و آمریکا بوده است.

5 - تحلیل گزینه های ممکن در حل سیاسی بحران قره باغ

از زمان آغاز حوادث قره باغ در سال 1988 تا کنون طرف های ذینفع (بصورت رسمی) در مناقشه، سازمانهای بین المللی، دولت های خارجی و افراد مستقل، اندیشمندان و بسیاری از تشکل های اجتماعی و سیاسی، توصیه ها در راهکارهای مختلفی در زمینه حل بحران ارائه داده اند که در این بخش سعی ما این خواهد بود که فهرستی از این راهکارها را در طبقه بندی زیر ارائه کنیم:

الف: جنبه های حقوقی و بین المللی در مناقشه قره باغ

ب: اصول اساسی در ارائه راه حل مناقشه قره باغ

در بررسی طبقه بندی فوق، بند الف را بصورت مختصر بررسی می نمایم

الف: جنبه های حقوقی و بین المللی

این جنبه باید موفقیت های درخور توجهی را در حل مناقشه قره باغ بدست آورد اما این کار با ایجاد تضاد با ملاحظه اساسی که در 2 مورد «حق تعیین سرنوشت توسط مردم» و «تمامیت ارضی و صیانت از مرزهای رسمی کشورها» موفقیتی کسب نکرد. چون هر کدام از طرفین درگیر این ملاحظات را به نفع خود تفسیر می کردند. چون اقلیت قومی که در

داخل یک کشور بطور مستقل زندگی می کند تمایل دارد تا از ترکیب سیاسی آن کشور خارج شده و مستقل باشد بخصوص بعد از فروپاشی شوروی و وضعیت جدید جهانی که مهمترین آن مقوله نظم نوین جهانی است مسئله را تغییر داده است 2 نفر از اندیشمندان آمریکایی بنام م هالپرین و د. شيفر چنین بیان می کنند که: خاتمه دوران جنگ سرد،

جامعه جهانی را بصورت غیرمترقبه ای با وضعیتی مواجه ساخت که در شرایط جدید، ملت ها در قالب های مختلف مطالبات زیادی را در خصوص حق تعیین سرنوشت پیش کشیدند و حق تعیین سرنوشت از راههای قانونی قابل مطالبه می باشد و تشکیل دولتهای جدید آنهم از راههای صلح آمیز می تواند صورت بگیرد. (Halperin, 1996, p46)

در این گزینه طرف ارمنی در بحران قره باغ به گزینه های استقلال و جدا شدن از آذربایجان و پیوستن به ارمنستان اعتقاد دارد. کارشناسان و تحلیل گران ارمنی در این زمینه می گویند: «دوران جنگ سرد پایان یافته است و نباید دو اصل تعیین حق سرنوشت و حفظ تمامیت ارضی کشورها را در مقابل یکدیگر قرار داد». آ. ینوکیان در این زمینه عقیده دارد

هر چند براساس اصل خدشه ناپذیر بودن اراضی کشورها اشغال بخشی از خاک یک کشور توسط کشور دیگر ممنوع است اما براساس اصل حق تعیین سرنوشت، ملت ها می توانند بصورت آزاد با هم متحد شوند و ساختار سیاسی و دولتی مستقل داشته باشند و در این راستا که هدف والاّی است وقوع جنگ نیز مورد تأیید می باشد.

از طرف دیگر کارشناسان و تحلیل‌گران آذربایجانی موضوع تعیین حق سرنوشت را مستمسکی برای اشغال خاک آذربایجان توسط ارمنستان می‌دانند آنها معتقدند که حق تعیین سرنوشت که یکی از اصول پذیرفته شده در جامعه جهانی است دارای شرایط و ملاحظاتی می‌باشد که مطابق آن جدائی قره باغ کوهستانی از خاک آذربایجان مطرود است از جمله به اسناد سازمان ملل متحد اشاره می‌کنند که در این اسناد در ارتباط با ماده حق تعیین سرنوشت آمده است که هیچکدام از بندهای این سند نمی‌تواند بصورتی تفسیر شود که سبب نقض تمامیت ارضی کشورها شود.

از طرفی تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان را تمام اسناد بین‌المللی تأیید کرده‌اند و پس از مذاکرات اخیر جورج بوش و پوتین بیانیه مشترکی توسط این دو در خصوص مناقشات قومی صادر شد که موضع آذربایجان را مورد تأیید قرار داده و سبب تقویت آن شده است. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باورند که در خصوص حل بحران قره باغ تأکید بر راهکارهای حقوقی گره موجود را حل نمی‌کند در این رابطه نماینده پیشین روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا در کنفرانسی که در 25 آوریل 2002 تحت عنوان «صلح و ثبات و ایجاد فضای اعتماد در قفقاز جنوبی» در ایران برگزار شد گفته است: «خداوند، شما را از جستجوی راه حل‌های حقوقی نگهدارد» همچنین کامیراف نیز اظهار داشت که راه حل این مناقشه فقط می‌تواند سیاسی باشد.

ب: اصول اساسی در ارائه راه حل بحران قره باغ  
در این بخش ما در پی آن هستیم به گزینه‌های مطرح در زمینه حل سیاسی مسئله قره باغ کوهستانی را در حد مقدرات ارزیابی نماییم.  
1 - موضع آذربایجان:

این موضع‌گیری بر این محتوی استوار است که ارمنستان در جریان درگیری‌های که از سال 1988 شروع شد با هدف الحاق بخشی از خاک آذربایجان به خاک خود به این کشور تجاوز نظامی کرده است و در اثر این تجاوز علاوه بر منطقه قره باغ کوهستانی، 6 استان نیز به اشغال ارمنستان درآمده است و صدها هزار نفر از اهالی آذربایجان نیز آواره شده‌اند. لذا دولت آذربایجان آمادگی خود را برای ارائه حق خودگردانی در بالاترین سطح به قره باغ کوهستانی در ترکیب ساختار سیاسی خود اعلام کرده است که شکل و درجه این خودگردانی در طول مذاکرات پس از کارشناسی دو طرف تعیین خواهد شد.

2 - موضع آذربایجانی‌های قره باغ کوهستانی:  
این موضع‌گیری با موضع‌گیری رسمی دولت آذربایجان مطابقت می‌کند البته گروه‌هایی هستند که عقیده دارند سرزمین‌های اشغال شده باید سریعاً از طریق نظامی بازپس گرفته شود. و صلح دائمی در منطقه تنها در صورت حل عادلانه مناقشه برقرار خواهد شد.  
3 - موضع حکومت قره باغ کوهستانی

این نهاد بدنبال حق تعیین سرنوشت خویش است و این حق را به نحوی تفسیر می‌کند که منجر به تشکیل دولتی مستقل از دولت آذربایجان و جدایی از خاک این کشور شود. رهبری قره باغ کوهستانی بر این باور است که آنها در جنگ با ارتش آذربایجان پیروز شده‌اند و بعنوان طرف غالب دارای امتیازات ویژه‌ای هستند که باید در جریان تعیین وضعیت سیاسی این منطقه از آن بهره‌گیرند و در طول تاریخ سابقه ندارد که قوم غالب مجدداً تحت حاکمیت قوم مغلوب قرار گیرد.

4 - ساختار سیاسی پائین‌تر از دولت و بالاتر از خود مختاری  
این طرح اولین بار در سال 1991 توسط آمریکائیان ارائه شد که به طرح «ویلی» مشهور گشت که در این طرح منطقه قره باغ در داخل ترکیب سیاسی آذربایجان و با نظارت مخصوص آمریکا و منطقه ویژه، در نظر گرفته شده بود که این طرح با استفاده از مدل جزایر «آلاند» در دریای بالتیک گرفته شده بود. مدل جزایر آلاند به منزله مدلی مناسب برای تنظیم روابط قره باغ کوهستانی با جمهوری آذربایجان توسط میانجیگران بین‌المللی پیشنهاد می‌شود و در دسامبر 1993 در جریان اجلاس کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به همت وزرای امور خارجه روسیه و فلاند، کنفرانسی از نمایندگان آذربایجان، ارمنستان قره باغ کوهستانی در جزایر آلاند برگزار و این مدل بررسی شد. که توسط نمایندگان قره باغ کوهستانی بدلیل عدم توجه به ریشه‌های تاریخی و روان‌شناختی این مدل نسبت به قره باغ رد شد.  
5 - مبادله اراضی:

در سال 1988 گروهی به رهبری ساخاروف برای حل مناقشه، مدل جدایی مناطق تحت سکونت آرامنه و آذری‌ها را پیشنهاد کردند که در آن زمان مورد مذاکره قرار نگرفت. بعد ها این مدل توسط سیاستمدار آمریکایی بنام پل گوئل در مقاله‌ای تحت عنوان «چگونه می‌توان از عهده بحران قره باغ برآمد؟» مطرح شد که بعد از ارائه که با تنش‌هایی همراه بود ایشان راه حل مناقشه را در مبادله اراضی با ملحوظ داشتن شرایط زیر می‌داند:

اول: بخشی از منطقه قره باغ کوهستانی به همراه سرچشمه رودخانه‌هایی که به طرف آذربایجان سرازیر هستند به ارمنستان داده شود.  
دوم: بخشی از خاک ارمنستان که بین آذربایجان و نخجوان قرار گرفته به آذربایجان داده شود. که در صورت اجراء این طرح ارمنستان امکان ارتباط مستقیم خود را با ایران از دست می‌دهد. و وضعیت دشواری برای ارمنستان بوجود می‌آید.

این پیشنهادات در مذاکرات سال‌های 2000 و 2001 بین رؤسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان بررسی شد ولی بطور رسمی اعلام نگردید.  
6 - دولت مشترک‌المنافع:

براساس بیانیه سازمان ملل متحد که در سال 1970 درباره دوستی و همکاری بین دولتها ارائه شده حق تعیین سرنوشت ملتها در سه شکل مطرح می‌شود. تشکیل دولت جدید، تشریح منافع با دولت مستقل موجود و تعیین وضعیتی دیگر براساس رای‌گیری آزاد و تمام‌آحاد مردم.  
در این زمینه در سال 1994 جان مارسیکا نماینده ویژه دولت آمریکا طرحی را پیشنهاد کرده بود که طرح شامل 8 قسمت بود که قره باغ کوهستانی تحت نام جمهوری قره باغ کوهستانی نامیده می‌شود. و در داخل ترکیب سیاسی و حاکمیت جمهوری آذربایجان دارای حق اداره کامل است و به صورت یک دولت مشترک‌المنافع با آذربایجان می‌باشد. در این طرح پیشنهاد می‌شد که در استپاناکرت (مرکز منطقه قره باغ کوهستانی که آذربایجانی‌ها آنرا خان‌کندی می‌نامند) و باکو، دو طرف دارای نمایندگی‌های سیاسی باشند و در پایتخت کشورهای دارای اهمیت در این مناقشه، از جمله ایروان و مسکو، جمهوری قره باغ کوهستانی دارای نمایندگی باشد و این کشورها نیز متقابلاً در مرکز قره باغ کوهستانی نمایندگی دایر کنند.

براساس طرح مارسیکا، قوای نظامی جمهوری قره باغ کوهستانی به تدریج باید کاهش یابد و این جمهوری دارای نیروهای امنیتی داخلی خواهد بود ولی نیروهای نظامی با ماهیت و توان تهاجم نظامی نباید وجود داشته باشند. جمهوری آذربایجان در داخل این منطقه و نیز در اطراف آن فقط می‌تواند نیروهای امنیتی مستقر کند و حق استقرار نیروهای نظامی با ماهیت و توان تهاجم نظامی را نخواهد داشت. در گزینه پیشنهادی مارسیکا گفته می‌شود، بین جمهوری ارمنستان با برونوم نخجوان از طریق دالان لاجین ارتباط ترانزیتی برقرار شود و آوارگان رانده شده از مناطق جنگی به خانه و کاشانه خود بازگردند و سرزمین جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان و نیز منطقه قره باغ کوهستانی و نخجوان به صورت یک منطقه آزاد تجاری درآید. مارسیکا در پایان توصیه می‌کند، سازمان امنیت و همکاری اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد از ضامن اجرای شروط این سند می‌باشند.

6 - روش‌های حل مناقشه قره باغ:  
صرفنظر از اینکه کدام راه حل برای مدیریت بحران قره باغ و حل آن عملی خواهد شد، روش و شیوه اجرای این راه حل‌ها نیز مسئله مهمی است. راه حل‌های ارائه شده هر اندازه واقع‌نگر هم باشند ولی در میدان عملی به خاطر دشواری‌هایی که دارند، با تأخیر همراه می‌شوند که یکی از موانع اساسی در این زمینه، نبود اعتماد متقابل است.

الف) حل مناقشه از طریق نظامی  
باعث تأسف است که خارج از موضع‌گیری رسمی دو طرف، شیوه نظامی به مثابه یکی از شیوه‌های خاتمه دادن به این وضع همچنان وجود دارد، یعنی طرف آذربایجانی برای

حفظ تمامیت ارضی خود ممکن است در صدد سرکوب و از بین بردن شورشگران ارمنی قره باغ کوهستانی برآید و طرف ارمنی نیز ممکن است برای وادار کردن آذربایجان به چشم پوشی از منافعش، بخواد اراضی بیشتری خارج از منطقه قره باغ کوهستانی را به اشغال خود در آورد. هر چند مقامات دو طرف در موضعگیری رسمی خود، از حل مناقشه به شیوه های صلح آمیز سخن می گویند. جمهوری آذربایجان براساس اصول سازمان ملل متحد به منظور حفظ تمامیت ارضی کشور، خاتمه دادن به بحران از طریق نظامی را مستثنی نمی کند و ارمنستان نیز این اهمال را بعید نمی داند. در این زمینه ایجاد محیطی سیاسی با اعتماد متقابل ضرورت دارد.

ب) حل مناقشه به صورت جامع (در قالب یک طرح جامع)  
این شیوه تمام مسائل مورد اختلاف و مباحثه آمیز بین دو طرف را در نظر می گیرد. مسائل و مشکلات در قالب یک طرح جامع و کامل گنجانده شده و در این زمینه به توافقی می رسیم و سپس بررسی این مسائل شروع می گردد.

این مسائل به دلیل عدم توافق بر سر جایگاه قره باغ کوهستانی در روند مذاکرات به نتیجه نرسیده است و گزینه های مختلفی که در این زمینه پیشنهاد شده (که از جمله مشهورترین آنها پیشنهاد ارائه شده توسط اعضای گروه مینسک در سال 1997 بود) کنار گذاشته شده اند. البته رهبری فعلی جمهوری ارمنستان (روبرت کوچاریان) ادعا می کند که هنوز طرفدار این شیوه هست.

ج) حل مرحله به مرحله در حل مناقشه در دسامبر سال 1997 به جای اصول پلان جامع مطرح شد. اساس این شیوه بر این مبنا متکی است که چون آذربایجان و ارمنستان در مورد برطرف کردن مشکلات و اختلاف دیدگاه ها در تمام موارد مربوط به مناقشه نمی توانند، توافق کنند، از اینرو ضروری است، هر گونه توافق جزئی را به منزله یک مرحله قلمداد نمود. بر این اساس، گفته شده که در مرحله اول می توان اراضی غیر ارمنی نشین آذربایجان را که در اشغال نیروهای ارمنی است، آزاد ساخت (به جز دالان لاجین) و همچنین این امکان وجود دارد که آوارگان طی چند مرحله به موطن اصلی خود بازگرداند. البته در این زمینه نیز مسائل بحث انگیزی وجود دارد که تعیین حدود دالان لاجین (که برای نیروهای ارمنی دارای اهمیت استراتژیک و مهم ترین کانال ارتباطی با قره باغ کوهستانی محسوب می شود) از جمله آنهاست. این شیوه نیز تاکنون فقط روی کاغذ مانده است. به خاطر متناقض بودن شیوه های مورد نظر برای حل بحران، لئون تریتروسیان، رئیس جمهور ارمنستان استعفا داد و وارث او یعنی روبرت کوچاریان بر این باور است که این مناقشه تنها با شیوه یک طرح جامع و همه جانبه قابل حل است.

و. کازمیراف (نماینده سابق روسیه در سازمان امنیت و همکاری اروپا) از طرفداران سرسخت شیوه مرحله به مرحله در حل مناقشه بود. این دیپلمات می گوید: «آشکار است شیوه مرحله به مرحله بدین معنا نیست که ابتدا خواسته های یک طرف (هر چقدر قانونی هم باشد) برآورده شود و در مرحله بعدی به سراغ مطالبات طرف دیگر برویم، بلکه در هر مرحله، طرفین بخشی از خواسته های خود را هر چند کوچک و غیراساسی هم باشد، به دست آورده و از این بابت رضایتمند خواهند بود.»

د) رفتارهای مبتنی بر همکاری  
ایجاد سیستم یکپارچه تأمین امنیت در قفقاز، بدون شک ثمره سند منتشر شده توسط م. امرسون است که براساس آن در سال های 1998 تا 2002 مذاکرات و مباحثی در سطوح عالی صورت گرفت. برای ایجاد امنیت و ثبات در منطقه قفقاز جنوبی، رفتارهای مبتنی بر اعتماد متقابل و ایجاد سیستم امنیت همه جانبه به مثابه پایه و اساس به شمار می آید. مذاکرات 2+3+3 (سه کشور شناخته شده در جامعه جهانی در قفقاز جنوبی + کشورهای پیشرو در منطقه یعنی روسیه، ایران و ترکیه + آمریکا و شورای اروپا) از سوی آمریکا، ترکیه و شورای اروپا مورد استقبال قرار گرفت، اما کشورهای روسیه و ایران با این ترکیب مخالفت شدیدی کردند و خواستار کنار گذاشتن آمریکا، شورای اروپا و ترکیه و پیگیری مسئله از طریق فرمول 2 + 3 شدند. همچنین مذاکراتی نیز در شهرهای بوخوم و برلین آلمان در سال 2001 انجام شد. در کنفرانس برلین، امرسون برخی از بندهای طرح خود را با اصلاحات ارائه کرد.

ه) فشار از خارج یا «طرح دیتون»  
یکی از راه های حل مناقشه از طریق اعمال فشار توسط قدرت های جهانی است. این روش به «طرح دیتون» مشهور است. منطقه با ناامنی و بحران هایی در مقیاس وسیع مواجه شده است و برای غلبه بر این بحران ها باید از تدابیر اجباری پذیرفته شده در سطح بین المللی استفاده شود. این مدل با نظامنامه های «حل مسالمت آمیز تنش ها» و «عملیات علیه نقض صلح و تجاوزگری» سازمان ملل متحد سازگاری دارد و در آن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورها و خدشه ناپذیر بودن مرزهای رسمی دولت ها نسبت به حق تعیین سرنوشت ملت ها به ویژه تفسیر آزادانه از این اصل پذیرفته شده سازمان ملل برتری دارد. امرسون توچی سناریویی را قابل انجام می داند که در آن جامعه جهانی برای اجرای ترتیبات همکاریانه (ترتیبات مبتنی بر همکاری بین کشورهای منطقه) در منطقه از طرح دیتون که از سوی این افراد پیشنهاد شده است، استفاده کنند. آنها می گویند: «از آنجا که تاکنون هیچ یک از کشورها، نهادها و یا سازمان های بین المللی از تکالیف و توصیه های این طرح حمایت نکردند، طرح یاد شده همواره به صورت ذهنی و غیرعملی باقی مانده است.»

7 - نتیجه گیری  
کارشناسان و صاحب نظران دلایل مختلفی را برای عدم پیشرفت فرایند حل و فصل بحران قره باغ پس از تحولات سیاسی اخیر در دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان ذکر می کنند. این عوامل در مجموع موجب شدند تا خوش بینی های مربوط به حل و فصل بحران قره باغ پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دو کشور تحقق نیابند. برخی کارشناسان خاطر نشان کرده اند که نحوه غیردموکراتیک برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در هر دو کشور مشروعیت رهبران فعلی ارمنستان و آذربایجان را زیر سوال برده و آنها برای جلوگیری از تضعیف بیشتر جایگاه خود در داخل حاضر به مصالحه در مورد قره باغ نیستند. شاهین عباس اف، از مسئولان روزنامه آذری باکو در اینباره معتقد است؛ پس از پیروزی در انتخاباتی غیردموکراتیک روبرت کوچاریان و الهام علی اف به منظور کسب مشروعیت بیشتر برای اقتدار خود به برداشتن گام های عوام پسندانه و میهن پرستانه گرایش پیدا کرده اند.

پایگاه اینترنتی اوراسیانت در همین رابطه تصریح می کند که شمار معدودی از کارشناسان سیاسی معتقدند که الهام علی اف (به منظور تقویت اقتدار خویش) به جناح افراطی در تشکیلات ریاست جمهوری خود گرایش پیدا می کند. این جناح افراطی مصالحه در مورد قره باغ را رد و تأکید می کنند که این منطقه باید بخشی از سرزمین آذربایجان باقی بماند. برخی از تحلیلگران به نقش نافذ افکار عمومی به عنوان یک عامل مهم بازدارنده برای حل و فصل بحران قره باغ اشاره و تصریح می کنند که رؤسای جمهوری دو کشور نمی توانند این عامل را نادیده بگیرند. به ویژه در شرایط نیاز رهبران دو کشور به افزایش مشروعیت و نفوذ خود در کشور ویژگی بازدارنده این عامل بیشتر نمود پیدا می کند. عباس اف در این زمینه خاطرنشان می کند که افکار عمومی هم در ارمنستان و هم در آذربایجان احتمال مصالحه را کاهش می دهد. کارشناسان همچنین به دیدگاه های مختلف و متفاوت دو طرف در مورد شیوه حل و فصل بحران قره باغ به عنوان یکی دیگر از عوامل مؤثر در توقف مذاکرات صلح یاد می کنند. عباس اف در این زمینه خاطرنشان کرده است که دو کشور در خصوص شکل توافق احتمالی دچار اختلاف نظر هستند. به گفته وی آذربایجان بر یک مدل مرحله به مرحله یا گام به گام اصرار دارد که با بازگشت اراضی اشغالی خارج از ناگورنو و قره باغ آغاز شده و با بازگشت آوارگان ادامه یافته و تنها در این صورت مذاکرات در مورد وضعیت قره باغ پیگیری می شود. در عین حال ارمنستان تنها یک نگرش کلی به مصالحه را می پذیرد که برای مثال هم مسائل اراضی اشغال شده و هم وضعیت قره باغ را به طور همزمان حل و فصل می کند.

امیل دانیالیان، ژورنالیست و تحلیلگر مسائل سیاسی در ایروان در همین رابطه خاطرنشان می کند که ارمنستان اصرار دارد که تنها راه برای شکستن بن بست کنونی بازگشت به

توافقی است که بنابر گزارش ها در جریان مذاکرات آوریل 2001 در منطقه «کی وست» آمریکا میان کوچاریان و حیدر علی اف به دست آمد. مقامات ارمنستان می گویند که چارچوب این موافقت نامه به طور مؤثری قره باغ را به ارمنستان منتقل خواهد کرد و این امر در ازای عقب نشینی ارمنستان از اراضی اشغالی آذربایجان خواهد بود. بالاخره برخی از کارشناسان به این نکته اشاره دارند که طرفین منازعه تداوم بحران را بیشتر به ضرر طرف مقابل دانسته و بدین ترتیب برای پیش قدم شدن در حل و فصل مناقشه علاقه چندانی از خود نشان نمی دهند چرا که اساساً معتقدند که ادامه وضعیت موجود بیشتر منافع طرف مقابل را مورد مخاطره قرار می دهد. شاهین عباس اف در این زمینه یادآور می شود که هر دو طرف اعتقاد دارند که زمان به نفع آنها ایفای نقش می کند. آذربایجان معتقد است که توسعه اقتصادی به این کشور اجازه می دهد تا موقعیت خود را در برابر ایروان تقویت کند.

دانیالیان نیز تصریح می کند در حال حاضر، به نظر نمی رسد که رهبران آذربایجان فوریت حل و فصل قره باغ را مورد ملاحظه قرار می دهند. الهام علی اف اعلام کرده که رژیم وی هیچ عجله ای برای استقبال از راه حل های غیرمردمی مصالحه ندارد. وی که پس از دیدارش از مسکو صحبت می کرد اظهار داشت که جمهوری ارمنستان که از نظر منابع ضعیف و فقیر است بیش از کشور او - که از ثروت نفت بهره مند است - از بن بست موجود در قره باغ صدمه می بیند. الهام علی اف همچنین در جریان يك مصاحبه تلویزیونی در نهم فوریه ادعا کرد که زمان به نفع جمهوری آذربایجان است. وجود احساس مشابه در میان رهبران ارمنستان شرایط را برای پیشبرد مذاکرات صلح تضعیف کرده است.

منابع

1 - بهراد، عبدالاحد، قره باغ در چشم انداز تاریخ 1371 انتشارات توس، تهران

2 - دایره المعارف آذربایجان

3 - واعظی، محمود، مناقشه قره باغ میراثی از چالش های قوی شوروی، فصلنامه آسیای مرکزی، قفقاز شماره 42، تابستان 1382.

4. Shahin Abbsaov : noc &ldquo; Closer propects for the settlement of the Kara bakh conflict&rdquo; Analust, Feb 11, 2004.

5. Mark Doyle Leaders Talk of peace in Kara bakh Dec 11, 2003.

6. Azerbaijan syas it is in no Hurry to settle nagron &ndash; Kara bakh conflict, Eurasia in sitht, Feb 27, 2004.

7. Emil Daniely an &ldquo;Hopes Fading in yereran, for Rapid progress on Kara bakh settlement&rdquo; Eurasia in sight, Feb 27, 2004.